



بررسی بنیاد تمدن اسلامی و ارزش‌های آن برای پیشرفت امروز ملل مسلمان

بی‌شک، حصول به پیشرفت و توسعه بدون وجود همدلی، هماهنگی، همکاری و مشارکت همه‌ی اقشار جامعه، اعم از دولتی و خصوصی، پیر و جوان، از نژادهای مختلف و از پیروان مذاهب متفاوت، امکان‌پذیر نمی‌باشد و شاهد این مدعی آن است که با تأمل در سیر تحولات اجتماعی کشورهای پیشرفته، کشوری را نمی‌توان یافت که در دوران طلایی ترقی و پیشرفت خود، حایز این فاکتور اساسی و تعیین‌کننده نبوده باشد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: بی‌شک، حصول به پیشرفت و توسعه بدون وجود همدلی، هماهنگی، همکاری و مشارکت همه‌ی اقشار جامعه، اعم از دولتی و خصوصی، پیر و جوان، از نژادهای مختلف و از پیروان مذاهب متفاوت، امکان‌پذیر نمی‌باشد و شاهد این مدعی آن است که با تأمل در سیر تحولات اجتماعی کشورهای پیشرفته، کشوری را نمی‌توان یافت که در دوران طلایی ترقی و پیشرفت خود، حایز این فاکتور اساسی و تعیین‌کننده نبوده باشد.

شروع رسالت حضرت خاتم (ص) را می‌توان شروع تحولات همه جانبه‌ی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و از منظری دیگر شروع تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دانست. در این مقاله سعی می‌شود به روش مطالعه‌ی تاریخی-تطبیقی و با تکنیک کتابخانه‌ای به مطالعه و بررسی منابع موجود و تحلیل آن‌ها پرداخته و نشان داده شود که پیامبر اکرم (ص) در رویارویی با چالش‌های پیش روی جامعه‌ی آن روز حکومت اسلامی جهت نیل به پیشرفت و توسعه، از راهبرد «تشکیل یک امت واحد، یکپارچه و منسجم» بهره گرفتند و با توجه به یافته‌های این مقاله مبنی بر اینکه مهم‌ترین معضلات پیش روی جوامع اسلامی در عصر حاضر جهت نیل به ترقی و پیشرفت نیز از همان جنس می‌باشد، نتیجه‌گیری می‌شود که برای برطرف نمودن آن‌ها می‌توان از همان استراتژی استفاده نمود. در نتیجه، می‌توان رسول خدا (ص) را به عنوان یک الگو برای رهبران و دولت‌مردان کشورهای اسلامی مطرح نمود تا با تأمل در جزئیات زندگی و نحوه‌ی حکومت‌داری ایشان، فنون و روش‌های مورد استفاده‌ی ایشان جهت ایجاد همبستگی اجتماعی و سیاسی شناسایی و به‌روز گردیده و مورد استفاده قرار گیرد.

مقدمه

اگرچه مسئله‌ی «پیشرفت ملل مسلمان» یک موضوع حایز اهمیت در تمام عصرها بوده است، اما امروزه اهمیت این مسئله صدچندان شده است؛ زیرا واقعیات امروز جهان اسلام حاکی از عدم توسعه‌یافتگی تقریباً تمامی ملل مسلمان است و در مقابل، کشورهایی که تقیدات دینی، جلوه‌ی به ظاهر بسیار کمتری در عرصه‌ی اجتماعی آنان دارد، پله‌های علوم روز، پیشرفت دنیوی و ترقی مادی را یکی پس از دیگری پیموده‌اند. توجه به این واقعیت تلخ ممکن است موجب تبادر این موضوع به ذهن شود که بین دین، به‌ویژه دین اسلام و پیشرفت و توسعه، تقابل و تضاد وجود دارد. متأسفانه این مسئله از چشم دین‌ستیزان پنهان نمانده و دستاویز نظریه‌پردازان لائیک قرار گرفته تا دین را افیون توده‌ها و عامل عقب‌ماندگی مسلمانان معرفی کرده و ملازمه‌ی واهی دین‌مداری و عقب‌ماندگی را تئوریزه نمایند.

از سوی دیگر، آموزه‌های دین اسلام بر این دلالت دارد که «اسلام کامل‌ترین دین الهی است»¹، «دین اسلام ضامن سعادت و حیات دنیوی و اخروی بشر است»²، «قرآن کتاب هدایت بشر تا پایان دنیا است»³ که عمل به آن ضامن سعادت بشر است»⁴ و موارد دیگر. این آموزه‌ها که جزء اعتقادات اساسی مسلمانان به حساب می‌آید با واقعیات ذکرشده‌ی فوق هم‌خوانی ندارند.

در این مقاله سعی می‌شود نشان داده شود اولاً، اسلام قابلیت تمدن‌سازی داشته و می‌تواند ملل مسلمان را به پیشرفت و تعالی دنیوی رساند؛ ثانیاً، در مسیر پیشرفت و توسعه‌ی ملل مسلمان، پیامبر اکرم (ص) و اقدامات تعالی‌بخش و تمدن‌ساز ایشان الگوی بسیار مناسبی برای تبعیت کردن می‌باشد. همچنین در پایان مقاله نتیجه‌گیری می‌شود که عدم پیشرفت ملل مسلمان ارتباطی با دین و آموزه‌های آن نداشته و لذا باید علت عقب‌ماندگی مسلمانان را در جای دیگری جستجو کرد.

قابلیت تمدن‌سازی و تعالی‌بخشی دین اسلام

جهت نشان دادن قابلیت دین اسلام در ایجاد یک تمدن عظیم و پیشرفت‌دهنده‌ی مسلمانان، بهترین راه این نشان دادن این نکته است که در عمل این واقعیه محقق گشته است. به عبارت دیگر، اگر بتوان نشان داد که اسلام با ظهورش پایه‌های تمدنی را بنا نهاد که در طی چند قرن به اوج بالندگی و شکوفایی رسید، قابلیت تمدن‌سازی دین اسلام به اثبات رسیده است.

با مراجعه به منابع تاریخی و مقایسه‌ی وضعیت جزیره‌العرب در دوران قبل و بعد از ظهور اسلام، به وضوح مشاهده می‌شود که این دین الهی تحولات عظیم و تأثیرات شگرف فردی و اجتماعی را در اعراب آن روزگار ایجاد کرده است که گستردگی ابعاد زمانی و مکانی آن به همراه عمق وسیعش همگی دال بر ایجاد یک تمدن جدید و در عین حال عظیم و جهانی است. به عنوان ارائه‌ی شاهی بر این مدعی، گوستاو لوبون شرق‌شناس مشهور معتقد است:

«هر اندازه بیشتر در تمدن عرب دقت کنیم و کتاب‌های علمی، اختراعات و صنایع ایشان را در نظر بگیریم، حقایق تازه‌تری برای ما روشن می‌شود و به‌خوبی درک خواهیم کرد که اعراب در قرون وسطی دانشمند و فاضل بوده‌اند و تاریخ سراغ ندارد که در زمانی اندک آن همه‌ی پیشرفتی که نصیب عرب شد، نصیب دیگران شده باشد» (1374: 3).

هرمان راندل هم بر این عقیده است که:

«مسلمانان در قرن دهم میلادی تمدنی در اسپانیا پدید آوردند که در آن، علوم از شکل عقاید مبهم درآمده و با صنایع و فنون

زندگی هماهنگی یافته بود «5.

همچنین حسینی از استودارد6 نویسنده‌ی آمریکایی نقل می‌کند که:

«تمدن اسلام چیزی نیست که انکارپذیر باشد. ... این تمدن از تمدن‌های مشهوری است که تاریخ عمومی دنیا با آن زینت یافته است»7.

امام خمینی (ره) نیز بر این اعتقاد است که: «تمدن اسلام، مقدم بر سایر تمدن‌ها است»8. همچنین شهید مطهری به نقل از برخی جامعه‌شناسان غربی، تمدن اسلامی را یکی از سه یا پنج تمدن مهم تمام دوران‌ها برشمرده است9.

از سوی دیگر، آندره میکل قوه‌ی محرکه‌ی تمدن اسلامی را دین اسلام می‌داند10. همچنین گوستاو لوبون در ارتباط با پایه‌گذار تمدن اسلامی بیان می‌کند:

«معجزه‌ی کبری محمد این بود که توانست قافله‌ی پراکنده عرب را گرد آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان ملت واحدی تشکیل دهد بدانسان که همه را در برابر یک دین خاضع کرده، مطیع و فرمان‌بردار یک پیشوا گرداند. ... ما اگر بخواهیم ارزش افراد را به کردار و آثار نیکشان بسنجیم، به‌طور مسلم محمد بزرگ‌ترین مرد تاریخ است»11.

جمع‌بندی این اظهار نظرها که جزء بسیار کوچکی از دیدگاه‌های مستشرقین و صاحب‌نظران منصف و بی‌طرف اروپایی را شامل می‌شود، عبارت است از:

الف- اسلام، صاحب تمدنی است که به تمدن اسلامی معروف شده است؛

ب- تمدن اسلامی، تمدن عظیمی است که آوازه‌ی آن دنیا را پر کرده است؛

ج- بنیان‌گذار تمدن عظیم اسلامی، پیامبر اکرم (ص) بوده و اقدامات ایشان در دوران رسالت شان سرآغاز شکل‌گیری این تمدن بوده است.

بررسی اقدامات تمدن‌ساز و پیشرفت‌دهنده‌ی پیامبر اکرم(ص)

شروع رسالت حضرت خاتم(ص) را می‌توان شروع تحولات همه‌جانبه‌ی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و از منظری دیگر شروع تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دانست. پیامبر اکرم(ص) با تمرکز بر روی افراد، از تحول فردی به تحول اجتماعی رسیدند و با تربیت همه‌جانبه‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افراد سبب تحولات اجتماعی گسترده‌ای شدند که می‌توان آن را آغاز فرایند توسعه‌یافتگی مسلمانان به حساب آورد. این فرایند در سده‌های بعد تکمیل شد و در زمانی که اروپائیان زیر استثمار کلیسا دست و پا می‌زدند، به اوج بالندگی خود رسید. بنابراین ما در این قسمت بر آنیم مهم‌ترین اقدامات توسعه‌ای ایشان را بررسی نماییم. البته قبل از پرداختن به این موضوع، قابل ذکر است که آنچه که در باب مفهوم توسعه و پیشرفت در سطور بالا نیز منعکس شده و همان هم در ادامه مورد استفاده قرار می‌گیرد، پیشرفت به معنای ایجاد تحولات فردی و اجتماعی است که زمینه‌ی بالندگی، رشد و شکوفایی جامعه را فراهم می‌آورد.

جهت بررسی اقدامات رسول خدا (ص) که منجر به پیشرفت و ترقی جامعه‌ی نوظهور اسلامی گشت و همچنین جهت قضاوت راجع به ارزشمندی آن‌ها، ابتدا لازم است مشکلات و معضلاتی که در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در شهر مدینه وجود داشت برشمرده شده و سپس راه حل‌های مورد استفاده پیامبر (ص) بررسی گردد. بدین منظور مهم‌ترین چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش روی حکومت اسلامی تبیین می‌گردد:

الف- چالش‌های سیاسی:

- اختلافات و نزاع‌های قبیله‌ای: اختلافات شدید و بسیار تنش‌زای موجود بین دو قبیله‌ی بزرگ شهر مدینه، یعنی اوس و خزرج، حکومت پیامبر (ص) را تهدید می‌کرد؛

- ناهمگونی ترکیب ساکنین مدینه: تازه‌مسلمانان غیرساکن در مدینه و به‌ویژه مکیان که به فرمان پیامبر (ص) مأمور به مهاجرت به این شهر شدند (شایان توجه است که این چالش و چالش نخست اگرچه ماهیت فرهنگی-اجتماعی دارند اما همان‌طور که توضیح داده شد، تهدیدات آن‌ها بیشتر جنبه‌ی سیاسی داشته است)؛

- تحرکات یهودیان مدینه: قبایل یهودی (مانند یهودیان خیبر) از تحولات صورت گرفته و تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبر (ص) بر شهر رضایت چندانی نداشتند.

ب- چالش‌های اجتماعی:

- اشرافی‌گری و فخرفروشی: امتیازات اشرافی و فخرفروشی‌های قومی و قبیله‌ای موجود در جامعه‌ی آن روز جزیره‌العرب از مهم‌ترین معضلات پیش روی جامعه‌ی مسلمین بود؛

- رسوم جاهلی و فرهنگ خرافی: اوضاع اجتماعی شهر مدینه متأثر از رسوم جاهلی متعدد دیگر و فرهنگ خرافی بود که سد راه پیشرفت و ترقی جامعه‌ی اسلامی بودند که از آن جمله می‌توان به ننگ دانستن دختر اشاره نمود؛

- ظلم و بی‌عدالتی: وضعیت اجتماعی حکومت اسلامی، همچنین تحت تأثیر شرایط نابسامان حقوقی بود که به ظلم و بی‌عدالتی دامن می‌زد. به عنوان مثال اشراف، حقوق زبردستان و قبایل قوی، حقوق اقوام ضعیف را پامال می‌کردند و قضاوت‌ها به نفع زورمندان رقم می‌خورد و غیره.

ج- چالش اقتصادی:

- فقر و بیکاری: پس از تشکیل حکومت اسلامی و مهاجرت مسلمانان سایر مناطق به این شهر، وضع اقتصادی آن دچار مشکل

گردید؛ زیرا از یک سو مهاجرین به طور مخفیانه و شبانه خانه و کاشانه‌ی خود را ترک کرده و به سمت این شهر حرکت کرده بودند و لذا بسیاری از اموال و دارایی آن‌ها در شهر خودشان باقی مانده بود و با توشه‌ی اندکی به مدینه آمده بودند و بنابراین به رغم افزایش جمعیت شهر مدینه، امکانات اقتصادی این شهر بسیار محدود گشته بود و در واقع سرمایه‌ی سرانه‌ی موجود بسیار کاهش یافته بود که به افزایش بیکاری و بروز فقر شدید می‌انجامید؛

- تحریم‌ها و محدودیت‌های مناسبات اقتصادی: از سوی دیگر، حکومت نوپای اسلامی از سوی مشرکان و همچنین یهودیان با تحریم‌ها و محدودیت مناسبات اقتصادی مواجه بود که فشارها و مشکلات اقتصادی را مضاعف کرده و خطر ناامنی سیاسی را به همراه داشت.

پیامبر اکرم (ص) به عنوان حاکم جامعه‌ی مسلمین اقدامات متعددی انجام دادند تا این چالش‌ها را مرتفع گردانند که مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از:

الف- پیمان برادری بین مسلمانان

رسول خدا (ص) در همان سال اول هجرت، پیمان برادری (عقد اخوت) را بین مهاجرین و انصار منعقد ساخت. این پیمان سبب شد افکار و سنت‌های غیراخلاقی نظیر برتری ثروتمند بر فقیر، سفید بر سیاه، عرب بر عجم و مانند آن که جنبه‌ی فرهنگی و اجتماعی داشتند به یکباره کنار گذاشته شوند. واضح است که این همدلی و مدارا کردن و در کنار یکدیگر روزگار گذراندن دو فرد که از دو فرهنگ خاص و با پیشینه‌های متفاوت بودند، ارزش‌های اخلاقی را ترویج کرد و سطح فرهنگی جامعه را ارتقاء بخشید و به لحاظ اجتماعی هم تعاملات و همدلی‌ها را افزایش داد. همچنین این پیمان، وحدت جامعه‌ی اسلامی را تقویت نمود؛ زیرا بر طبق یکی از مفاد آن، انصار می‌بایست از برادران مهاجر خود حمایت و پشتیبانی نمایند.

از سوی دیگر، این پیمان تأثیرات اقتصادی قابل ملاحظه‌ای در پی داشت؛ زیرا یکی از مفاد آن ارث‌بری دو برادر از یکدیگر به رغم وجود ارحام بود که البته این قانون بعد از جنگ بدر توسط آیه‌ی «اولوا الارحام اولی ببعض»¹² منسوخ گشت. همچنین در برخی از منابع تاریخی ذکر شده است که از مفاد این پیمان سهیم شدن مهاجر در اموال فرد انصاری بود. بدین ترتیب نیروی انسانی بالقوه‌ی موجود در جامعه‌ی مسلمین فعال گشت.

ب- تدوین قانون اساسی مدینه النبی

نظام‌نامه‌ی شهر مدینه یا همان قانون اساسی دولت اسلامی، یک قرارداد اجتماعی بود که توسط شخص پیامبر اکرم (ص) تنظیم گردید و به تصویب ساکنین شهر مدینه اعم از مسلمان و یهودی رسید. مهم‌ترین مفاد این نظام‌نامه عبارت بودند از:

- مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد؛

- مسلمانان و یهودیان در انجام مناسک دینی خود آزاد هستند؛

- آخرین مرجع اختلاف، شخص پیامبر خواهد بود؛

- یهودیان مدینه مالک دارایی خویش هستند؛

- همه‌ی مردم در حقوق و تکالیف یکسان هستند و تفاوتی میان کوچک و بزرگ و ثروتمند و تهی‌دست نیست.

این نظام‌نامه‌ی حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یهودیان را به رسمیت شناخته و لذا سبب ایجاد وحدت سیاسی، انسجام اجتماعی و شکوفایی اقتصادی در جامعه‌ی مسلمین گشت و با تعیین پیامبر (ص) به عنوان آخرین مرجع حل اختلاف، امنیت قضایی در مدینه برقرار شد و با یکسان تلقی شدن همه‌ی افراد در حقوق و تکالیف، سنت‌های اشرافی و تعصبات قومی و قبیله‌ای رو به کاهش نهاد.

ج- حل اختلافات داخلی

از دیگر اقدامات رسول خدا (ص) در مدینه، ایجاد آشتی و برقراری صلح میان دو قبیله‌ی بزرگ متخاصم اوس و خزرج بود که اختلافات چندصدساله‌ی آنان، سبب کشته شدن هزاران نفر شده بود و توان قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی این دو قبیله را صرف جنگیدن کرده بود و لذا به کارهای اقتصادی که سبب بالندگی و شکوفایی اقتصاد آن شهر می‌شد، نمی‌پرداختند و در نهایت، بسیاری از نیروی انسانی لازم جهت نیل به توسعه، در جنگ کشته می‌شدند.

د- بنای یک پایگاه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

دستور ساخت مسجدالنبی، از جمله‌ی اقدامات اولیه اما اساسی پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌آید؛ زیرا در این مکان علاوه بر برپایی نماز جماعت، ملاقات‌های عمومی رسول خدا (ص) نیز صورت می‌گرفت و محلی برای کارهای فرهنگی پیامبر و برپایی جلسات سیاسی و نظامی ایشان هم بود. از سوی دیگر، مسجدالنبی مکانی شد برای آنکه اهل صفه که عبارت بودند از جمعی نیازمند و درمانده، در قسمتی از آن بیتوته نمایند و از تأمین اجتماعی که پیامبر اکرم (ص) پایه‌گذار آن بود بهره‌مند گردند.

ه- تبلیغ کلامی و رفتاری

سیره‌ی کلامی و رفتاری رسول خدا (ص) نیز در رفع چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برشمرده شده‌ی فوق، بسیار مؤثر بود. برای مثال ایشان در ساخت مسجدالنبی و کانال خندق مشارکت فعال داشتند که این خود اقدامی جهت برچیده شدن رسوم جاهلی و اشرافی‌گری به حساب می‌آمد.

بنا بر آنچه که راجع به چالش‌های پیش روی حکومت نوپای اسلامی و اقدامات رسول خدا (ص) جهت برطرف نمودن آن‌ها ذکر شد، به وضوح مشخص می‌شود که ایشان نابسامانی‌های پیش روی جامعه‌ی اسلامی را به خوبی شناسایی کرده و با به‌کارگیری

راه‌حل‌های ابتکاری متفاوتی، سعی نمودند آن‌ها را برطرف نمایند. اما آنچه که از اهمیت به‌سزایی برخوردار است آنکه پیامبر اکرم (ص) در رویارویی با چالش‌ها از یک استراتژی واحد بهره گرفتند، اگرچه تاکتیک‌های مورد استفاده متعدد و متنوع بود. استراتژی مورد استفاده‌ی ایشان «تشکیل یک امت واحد، یکپارچه و منسجم» بود.

پیامبر اکرم (ص)؛ الگوی کشورهای مسلمان

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا استراتژی مورد استفاده‌ی رسول خدا (ص) استراتژی مناسبی برای ایجاد ترقی و پیشرفت در ملل مسلمان این عصر نیز است؟ پاسخ به این سؤال، مستلزم بررسی وضعیت کشورهای مسلمان به لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این ویژگی‌ها به شرح ذیل می‌باشد.

الف- وضعیت سیاسی

در بسیاری از کشورهای اسلامی، اختلافات و تنش‌های داخلی که منشأ قومی- قبیله‌ای، سیاسی یا منشأ مذهبی دارد، ثبات سیاسی لازم جهت پیشرفت و توسعه را مختل کرده و امکانات، نیروها و سرمایه‌ها را به‌جای به‌کارگیری در مسیر پیشرفت، به بیراهه و باتلاق اختلافات و نزاع‌های داخلی کشانده است. همچنین در برخی از کشورهای اسلامی که تنش‌های سیاسی داخلی کمتری دیده می‌شود، حکومت‌ها درگیر اختلافات مرزی شدید یا درگیر انواع دیگری از تنش‌های سیاسی خارجی هستند که سرعت پیشرفت و توسعه را به شدت کند کرده و استفاده‌ی بهینه از امکانات موجود را مختل می‌گرداند.

ب- وضعیت اجتماعی

وضعیت اجتماعی کشورهای مسلمان، تحت تأثیر ویژگی مشترک آن‌ها که همانا عدم توسعه‌یافتگی است، اشتراک‌های فراوانی دارد. برای مثال در اکثر کشورهای اسلامی معضلات ذیل مشاهده می‌گردد:

- نادیده گرفتن حقوق زنان و تبعیض جنسیتی؛
- نادیده گرفتن حقوق اقوام مختلف و تبعیض نژادی؛
- نادیده گرفتن حقوق پیروان ادیان مختلف و تبعیض مذهبی؛
- عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی؛
- ابتلای جامعه به خرافات و موهومات؛
- وجود اختلاف طبقاتی بسیار شدید در سطح جامعه؛
- و موارد دیگر.

ج- وضعیت اقتصادی

تقریباً در اکثر قریب به اتفاق کشورهای مسلمان، منابع طبیعی (همچون چاه‌های نفت و گاز و معادن طلا و سایر فلزات قیمتی) قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. همچنین در بسیاری از این کشورها پتانسیل‌های اقتصادی بسیار مهم دیگری همچون صنعت گردشگری، حمل و نقل بین‌المللی هوایی و دریایی و ... وجود دارد که بالفعل نمودن بهینه‌ی آن‌ها می‌تواند پیشرفت و توسعه را به ارمغان بیاورد. اما مهم‌تر از امکانات مادی و اقتصادی، وجود نیروهای انسانی توانمندی است که با همدلی، اتحاد و تشریک مساعی کشورشان را از پله‌های ترقی بالا ببرند. به عبارت دیگر، مهم‌تر از سرمایه‌ی فیزیکی، وجود سرمایه‌ی انسانی است که در سایه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی موجود در جامعه به صورت بهینه مورد استفاده قرار گرفته و کشور را در مسیر پیشرفت به پیش می‌برد.

در کشورهای اسلامی، نیروهای انسانی توانمند کم و بیش وجود داشته و به مرور زمان بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. اما معضلی که گریبان‌گیر اکثر این کشورها (به‌ویژه ایران، پاکستان، اندونزی، عربستان و مصر به‌عنوان کشورهای دارای سطح سرمایه‌ی انسانی قابل ملاحظه) بوده، ضعف انباشت سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی چسب اجتماعی است که نیروهای انسانی را در کنار یکدیگر نگه داشته و سبب تقویت تعاملات سازنده‌ی آن‌ها می‌گردد. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از هر آنچه که به مثابه‌ی نخ تسبیح عمل کرده و دانه‌های تسبیح را که همانا نیروهای انسانی توانمند هستند در کنار یکدیگر مجتمع گردانیده و با یکدیگر متحد می‌کند و مانع از پراکندگی و اختلاف آن‌ها می‌شود. کمبود سطح سرمایه‌ی اجتماعی در کشورهای مسلمان را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل عدم توسعه‌ی اقتصادی این کشورها دانست؛ چرا که بر طبق نظر کالویس و آنجئون (2004) یکی از عواملی که سبب شد اندیشمندان اقتصادی پیرامون عوامل غیراقتصادی توسعه تحقیق کنند، مشاهده‌ی این تناقض بود که با وجود انباشت یکسان سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و طبیعی در مناطق مختلف، سطوح متفاوتی از توسعه‌ی پایدار پدیدار گشت و لذا نقش آن عوامل را ارتقاء بخشیدند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که راجع به مهم‌ترین معضلات پیش روی جوامع اسلامی در عصر حاضر جهت نیل به ترقی و پیشرفت بیان گردید و حسب تأمل و تعمق در آن‌ها مشخص می‌شود که جنس این معضلات از جنس همان معضلاتی است که پیش روی جامعه‌ی نوپای اسلامی در صدر اسلام قرار داشت و لذا برای برطرف نمودن آن‌ها می‌توان از استراتژی واحدی استفاده کرد. در نتیجه، رسول خدا (ص) می‌تواند به عنوان یک الگو برای رهبران و دولت‌مردان کشورهای اسلامی مطرح باشد تا با تأمل در جزئیات زندگی و نحوه‌ی حکومت‌داری ایشان، تاکتیک‌های مورد استفاده‌ی ایشان جهت ایجاد همبستگی اجتماعی و سیاسی شناسایی و به‌روز شده (و نه عیناً) و مورد استفاده قرار گیرد. بی‌شک، حصول به پیشرفت و توسعه بدون وجود همدلی، هماهنگی، همکاری و مشارکت همه‌ی اقشار جامعه، اعم از دولتی و خصوصی، پیر و جوان، از نژادهای مختلف و از پیروان

مذاهب متفاوت، امکان پذیر نمی باشد و شاهد این مدعی آن است که با تأمل در سیر تحولات اجتماعی کشورهای پیشرفته، کشوری را نمی توان یافت که در دوران طلایی ترقی و پیشرفت خود، حایز این فاکتور اساسی و تعیین کننده نبوده باشد.

پی نوشتها

*دکتر ابوالقاسم توحیدی نیا دکترای علوم اقتصادی

1- آل عمران، آیه ی 19

2- طباطبایی، 1363، ج 12: 37

3- طباطبایی، 1363، ج 1: 10

4- مائده، آیه ی 3

5- حکیمی، 1357: 123

6- L. Stoddard

7- به نقل از حسینی، 1381: 31

8- صحیفه ی نور، ج 18: 162

9- مطهری، 1362: 262

10- 1381: 35

11- 1374: 128

12- انفال: آیه ی 75

منابع و مأخذ:

1. قرآن کریم

2. حسینی؛ سید محمد عارف، 1381، رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته، مرکز جهانی علوم اسلامی

3. حکیمی؛ محمد رضا، 1357، دانش مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

4. خمینی؛ روح الله، 1372، صحیفه ی نور، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج 18

5. طباطبایی؛ محمد حسین، 1363، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ی محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات دار العلم، ج 12 و ج 1

6. لوبون؛ گوستاو، 1374، تمدن اسلام و عرب، ترجمه ی سید هاشم حسینی، کتاب فروشی اسلامیه

7. مطهری؛ سید مرتضی، 1362، نقدی بر مارکسیسم، انتشارات صدرا

8. میکال؛ آندره، 1381، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه: حسن فروغی، انتشارات سمت

9. Callois, J.M. & Angeon, V. (2004), On the Role of Social Capital on

*منبع: فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره 10.